

## مسائل مربوط به اصول در سیاست بورژوازی لیبرال و فرمیسم

ولادیمیر ایلیچ لنین

سالازکین میلیونر در یک سخنرانی در نمایشگاه نیژنی - نووگورود، از طرف تجار سراسر روسیه، درخواستی را برای اصلاحات وسیع سیاسی مطرح کرد. در گردهم آیی سه هزار فلزکار در سن پترزبورگ، رفرمیستها با کسب فقط ۱۵۰ رأی برای نامزدهای معرفی شده توسط شان جهت عضویت در نهاد اجرایی، متحمل شکستی قاطع شدند.[۱]

این دو حقیقت، که صریح و ساده همسنجی می طلبند، حتی مردم کاملاً فاقد اصول را ناگزیر می نمایند که اصول مربوط به سیاست امروزی روسیه را مورد سؤال قرار دهند. توده‌هایی از مردم تمام طبقات روسیه به سیاست علاقمندند، ولی تعداد کمی از آنها متوجه اهمیت اصول تئوریک مؤثر در نحوه نمایش دادن مسائل سیاسی می باشند. شمار کمی متوجه اهمیت احزاب سیاسی هستند که همواره پاسخهایی حساب شده، دقیق و به نحوی مناسب تنظیم شده به این مسائل می دهند. وقتی احزاب با طبقات معینی مرتبط هستند، چنین پاسخهایی بر اساس کار در میان توده‌ها داده می شوند و سالها انجام چنین کاری در میان توده‌ها نیز می تواند صحت و سقم این پاسخها را آشکار سازد.

پاسخهای مارکسیستها هنگامی که چهار سال و نیم قبل سیستم سوم ژوئن و وظایف خود را در ارتباط با آن ارزیابی نمودند دقیقاً از این نوع بودند. کارگرانی که برای سالهای طولانی با وظیفه شناسی و داشتن نحوه تفکر ناشی از این پاسخها در هر محیطی فعالیت کرده‌اند، توسط دره عمیقی از آن روشنفکران سردرگمی که از دادن هر نوع پاسخ صریحی می ترسند و در هر گام به رفرمیسم و انحلال طلبی می لغزند، جدا شده‌اند.

نمی توان نسبت به آن افرادی که پس از مشاهده مبارزه مارکسیستها علیه انحلال طلبان، با عبارات غمناکی درباره مضر بودن مشاجرات، منازعات، مبارزات متقابل، فرقه بازی و ... از پرداختن به مسئله اجتناب می کنند، احساسی جز ترحم داشت. بسیاری از افرادی که خود را مارکسیست می خوانند و همه نارودنیکهای «چپ» در این زمره هستند!

لیبرالهای روزنامه رچ، کسانی که در اصول قهرمانان بورژوازی و دشمنان مارکسیسم هستند، نتوانسته‌اند حقایق فوق را نادیده گیرند. آنها همه عبارات قدیمی و رقت انگیزشان را در یک سرمقاله (در شماره ۲۳۴) تکرار می کنند، ولی اکنون فراتر می روند.

لیبرالها ناگزیر به اعتراف گشته اند که «مبارزه بین بلشویکها و انحلال طلبان همه جا در جریان است» و «به همه منافذ ارگانیک طبقه کارگر نفوذ کرده است». حالا چه؟ آیا این امر می تواند اتفاقی بوده باشد؟

خیر ...

«اختلافات مهمی در مسائل اصولی برای مدتی طولانی آشکار هستند؛ آنها در تحلیل نهایی می توانند به مسئله خط مشی ای که باید در پیشرفت آتی کشور اتخاذ گردد خلاصه شوند.»

بالاخره به این نتیجه رسیدند! مارکسیستها در دسامبر ۱۹۰۸ این موضوع را توضیح دادند، اما لیبرالها در اوت ۱۹۱۳ شروع به فهم آن کرده‌اند. دیر فهمیدن بهتر از هرگز نفهمیدن است.

روزنامه لیبرال ادامه می دهد «آیا حرکت در مسیر اصلاحات امکان پذیر است یا اینکه «اصلاحات تنها به عنوان محصول فرعی جنبشی که کاملاً از تمام محدودیت رفرمیسم آزاد است میسر می باشد» [به نقل از سورنایا پراودا]. مسئله بدین گونه مطرح است.»

دقیقاً! مسئله انحلال طلبی فقط بخشی از مسئله رفرمیستهای غیرحزبی است که از مارکسیسم بریده‌اند. جالب است ببینیم که لیبرالها، این قهرمانان رفرمیسم در اصول، چگونه از آن دفاع می کنند.

«البته، مقدار زیادی متافیزیک و اعتقاد به سرنوشت در این عقیده که اصلاحات تنها به عنوان یک «محصول فرعی» میسرند، وجود دارد. بدون اصلاحگران و رفرمیسم هیچ اصلاحی نمی تواند انجام

شود، حتی اگر فقط یک «محصول فرعی» باشد ...»

اینجا بار دیگر نمونه‌ای از عبارات خشمگینانه و تلاشی برای عدم ارائه پاسخ را داریم! متافیزیک چه ربطی به این امر دارد هنگامی که تجربه تاریخی، تجربه انگلیس، فرانسه، آلمان و روسیه، تجربه تمام تاریخ معاصر در اروپا و آسیا، نشان می دهد که اصلاحات جدی همیشه تنها محصول فرعی جنبشی

کاملاً آزاد از محدودیت رفرمیسم بوده‌اند؟

و اعتقاد به سرنوشت چه ربطی به این امر دارد هنگامی که همان تجربه بطور واضح نشان می‌دهد که دقیقاً طبقات دشمن رفرمیسم بوده‌اند که بیشترین تأثیر را [در جهت تحقق اصلاحات] داشته‌اند؟ یا شاید در فعالیتهای طبقه کارگر روسیه در نخستین سالهای قرن بیستم «اعتقاد به سرنوشت» بیشتری نسبت به فعالیتهای لیبرالهای زمستوو و بورژوازی در سی سال پایانی قرن نوزدهم وجود داشته است؟ آقایان لیبرال، شما خود را مسخره می‌کنید!

آیا ممکن است شما چنان نادانیهایی باشید که ارتباط بین منافع بورژوازی به عنوان یک طبقه و تمایل آنها به محدود ساختن خودشان به رفرمیسم، و همچنین ارتباط بین شرایط طبقه کارگر و تمایل متضادش را نبینید؟

آقایان، شما حقیقتاً بطور کلی حامیان ضعیفی برای رفرمیسم هستید! ولی شاید دفاع شما از رفرمیسم در روسیه کنونی بهتر است؟

رچ ادامه می‌دهد «باید اعتراف شود که وضعیت حاضر، وضعیتی که بارها به کم توقع ترین اصلاحگران بیهودگی تلاشهایشان را نشان داده است، افکار مردم و بخصوص احساساتشان را به سمت نفی رفرمیسم جهت می‌دهد.»

بفرمایید! به نظر می‌رسد حتی شمایی که از طرفداری از رفرمیسم یک اصل می‌سازید هم نمی‌توانید نه در تجربه تاریخی و نه در «وضعیت حاضر» روسیه تکیه گاهی پیدا کنید. حتی شما هم مجبورید اعتراف نمایید که وضعیت به ضرر شماست!

آقایان، در صورتی که شما در ضدیت با تجربه تاریخی، در ضدیت با تجربه «وضعیت حاضر» به حمایت از موقعیت فاقد اصول رفرمیسم ادامه دهید، چقدر متافیزیسی و معتقد به سرنوشت – یا بردگان نابینایی

برای کیسه پول تنگ نظر، خودخواه و بزدل – خواهید بود! آیا شمایی که خودتان به اصلاحات باور ندارید، در واقع از آن بورژوازی که می‌کوشد به هزینه سایر مردم سود به دست آورد، دفاع نمی‌کنید؟

قابل فهم است که یک قسمت پیشرو طبقه کارگر روسیه، فلزکاران سن پترزبورگ، رفرمیستها و انحلال طلبانی که در میانشان بودند را دچار شکست خرد کننده‌ای کرده‌اند. طبق ارقام ارائه شده توسط رچ

لیبرال و رفرمیست، انحلال طلبان رفرمیست ۱۵۰ رأی از ۲۰۰۰ رأی را کسب کردند که برابر با هفت و نیم درصد از کل می‌باشد. آیا این امر برای بار چندم – پس از انتخاب کارگران برای دومای چهارم، پس

از تاریخچه ظهور مطبوعات کارگری در سن پترزبورگ و مسکو – نشان نمی‌دهد که انحلال طلبان فقط روشنفکران سردرگم و نیمه لیبرال را نمایندگی می‌کنند، و توده کارگران دارای آگاهی سیاسی آنها

را قاطعانه و راسخانه محکوم و طرد نموده‌اند؟

سورنایا پراودا، شماره ۲۸

۴ سپتامبر ۱۹۱۳

ناش پوت، شماره ۹

۴ سپتامبر ۱۹۱۳

امضاء: و. ای.

مجموعه آثار لنین، جلد ۱۹

توضیحات

۱- هیئت رئیسه اتحادیه فلزکاران سن پترزبورگ در ۲۵ اوت (۷ سپتامبر) ۱۹۱۳ تجدید انتخاب شد. در گردهم آیی مورد اشاره حدود ۳۰۰۰ کارگر شرکت داشتند. علیرغم کوششهای انحلال طلبان برای سوق دادن گردهم آیی بر علیه هیئت رئیسه بلشویک اتحادیه، یک قطعنامه سپاسگزاری از هیئت رئیسه برای کارهایش توسط اکثریتی بزرگ تصویب شد. لیست نامزدهایی که توسط انحلال طلبان در رأی گیری اولیه ارائه شده بود، حدود ۱۵۰ رأی کسب کرد؛ لیست بلشویکی، که در سورنایا پراودا منتشر گشته بود، توسط اکثریتی بزرگ پذیرفته شد.